

کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان قم

اخباری ← می + بن مضارع + شناسه

التراری ← ب + بن مضارع + شناسه

مستمر ← دار + شناسه + مضارع اخباری

9

ساده ← بن ماضی + شناسه

استمراری ← می + ماضی ساده

10

تغلی ← صفت مفعولی + شناسه

بعید ← بن + بود + شناسه

التراری ← بن + باش + شناسه

مستمر ← داشت + شناسه + ماضی استمراری

مصدر ← بن ماضی + ن

بن ماضی ← مصدر بدون "ن"

بن مضارع ← فعل امر مفرد بدون "ب"

صفت مفعولی ← بن ماضی + گشته

۱۱ داشت

۱۲ بود

۱۳ باشد

۱۴ داشته

۱۵ دارم

۱۶ خواهم (آینده)

۱۷ شد

امثال کلی

12

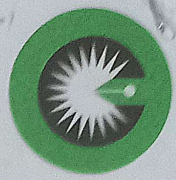
در متون گذشته گاهی مضارع اخباری و التراری بدون شناسه می آمده است. باید معنی کنیم

13

زمان فعل های مجهول را از روی امثال کلی آنها (خانواده شناسه) تشخیص می دهیم

تشخیص اسامی بدون تائید افعال خاص و بین معنی با
تغییر جمله و از فعل اسامی استفاده کنی باشد

افعال چیده و چسبیده (اسامی) check



قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان قم

چهارشنبه

۲۲

۱۳ ذی الحجه ۱۴۴۳

13 July 2022

تیر

نقوش ها و روش اسامی آنها نهاد + مفعول + مسند + فعل

منادا مشخص است

منادا با نشانه ندا → منادا بدون نشانه ندا → حذف آن از جمله مشکلی ایجاد نمی کند

قید تمام کلمات تنوین دارد

قید مفعول

نهاد چه کسی / چه چیزی + فعل

مفعول چه کسی را / چه چیزی را + فعل

کلمه یا گروهی از کلمات که بعد از حرف اضافه می آیند

متمم قید یا با حرف اضافه میومد

استثناهایی که گاهی متمم هستند "چون" اگر به معنای مثل و مانند باشند

مفعول + فعل

اصحال اسامی → بود / شد

در چه صورت فعل اسامی نیستند؟ اگر به معنای وجود داشتن

گاهی مسند به صورت حرف اضافه و متمم است

اضافه → مضاف و مضاف الیه

موصوف "ی" تکرار می گیرد اما مضاف نمی گیرد

ترکیب و صفت (اسم + صفت) = صفت

معمولا تر تری می گیرد

وابسته پیشین + اسم

تکرار (هم نقش)

نقش های بسی معطوف → دو یا چند واژه هم نقش پیوسته خود به وسیله "یا"

پهل گروه اسمی قبل از خود را توضیح می دهد

هر دو یک چیز یا یک شخص باشند

هر دو یک نقش داشته باشند

هیچ گاه احوال جمله نمی آیند

از صیغ نقش مالکیت داشته باشند اینجا نقش می گیرند

م	مان
ت	تان
ن	شان

ظواهر شخصی پیوسته تشخیص نقش

نقش ها مفعول (در پاسخ "چه کسی" یا "چه چیزی را")

م الیه (بعد از کسره قرار بگیرد)

متمم (بعد از حرف اضافه آید)

محل تبدیل مصوت "ا" به "ی" چهار = چهار

روز بزرگداشت خوارزمی، روز فناوری اطلاعات

۲۱ جمعه ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ جمعه ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ جمعه ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ جمعه ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ جمعه

بزرگوار به خرد و فرهنگ است نه به دارائی و دودمان (امام علی علیه السلام)

در تبدیل شیوه های نهادی و اجزای (افعال) معطوف را check

هم ذکر می کنیم

8

شماره ۱۰
شماره ۱۱
شماره ۱۲
شماره ۱۳
شماره ۱۴
شماره ۱۵
شماره ۱۶
شماره ۱۷
شماره ۱۸
شماره ۱۹
شماره ۲۰
شماره ۲۱
شماره ۲۲
شماره ۲۳
شماره ۲۴
شماره ۲۵
شماره ۲۶
شماره ۲۷
شماره ۲۸
شماره ۲۹
شماره ۳۰
شماره ۳۱
شماره ۳۲
شماره ۳۳
شماره ۳۴
شماره ۳۵
شماره ۳۶
شماره ۳۷
شماره ۳۸
شماره ۳۹
شماره ۴۰
شماره ۴۱
شماره ۴۲
شماره ۴۳
شماره ۴۴
شماره ۴۵
شماره ۴۶
شماره ۴۷
شماره ۴۸
شماره ۴۹
شماره ۵۰
شماره ۵۱
شماره ۵۲
شماره ۵۳
شماره ۵۴
شماره ۵۵
شماره ۵۶
شماره ۵۷
شماره ۵۸
شماره ۵۹
شماره ۶۰
شماره ۶۱
شماره ۶۲
شماره ۶۳
شماره ۶۴
شماره ۶۵
شماره ۶۶
شماره ۶۷
شماره ۶۸
شماره ۶۹
شماره ۷۰
شماره ۷۱
شماره ۷۲
شماره ۷۳
شماره ۷۴
شماره ۷۵
شماره ۷۶
شماره ۷۷
شماره ۷۸
شماره ۷۹
شماره ۸۰
شماره ۸۱
شماره ۸۲
شماره ۸۳
شماره ۸۴
شماره ۸۵
شماره ۸۶
شماره ۸۷
شماره ۸۸
شماره ۸۹
شماره ۹۰
شماره ۹۱
شماره ۹۲
شماره ۹۳
شماره ۹۴
شماره ۹۵
شماره ۹۶
شماره ۹۷
شماره ۹۸
شماره ۹۹
شماره ۱۰۰

9

10

11

12

13

14

15

18

19

گروه
اسمی

روز گفت و گو و تعامل سازنده با جهان

جمعه
۲۴
تیر

۱۵ ذی الحجه ۱۴۴۳

15 July 2022

نکته

محظوف به وابسته های وابسته هستند

میان صفت شمارشی و محظوف آن

بعد از معین هستند میار

می تواند وابسته صفت پریشی و معین نیز باشد

عدد معین وابسته به تفای و نظیر از هم وابسته

شمارشی پیشین

معین (واحد/تعداد)

صفت پیشین

میل یا بعدش میار

صفت

صفت بیانی

قید

بین ترکیب و صفتی

منظور وابسته هستند

اولین کلمه ای که جزو وابسته پیشین باشد

تمام نقش های دستوری نیز قید و فعل کرده اسمی هستند

محظوف به هستند های وابسته هستند

کانون فارسی زبان رازی داد سری استان

انواع

- 8 حرف اضافه ← حارثه قبل از خود را می کند
مک اضافه ← بین مضامین و م الیه میاد
نشانده مفعول ← معمولاً مضامین بعد از "را" و م الیه قبل از آن (یعنی به واسطه)
- 9 عطف ← بین کلمات
و از ← ربط را پیوند ← بین جملات
- 10 نشانده جمع
نشان ←
مکان ←
شبهات ←
آن ← نسبت ← صفت نسبی
صفت ماعلی ← (پسوند حالت یا حالیه)
توی اسمی ← (پسوند حالت یا حالیه)
- 12 قید ساز ← بین مضارع + آن ← معمولاً در جمله به عنوان صفت ماعلی و گاهی قید به کاری (و)
پسوند اسم ساز ← در هر فعلی واژه صائیز قسمتی از خود واژه است
خوش ← (شبهات) ← خوش خوش ← (مانند خوش شیر)
- 13 پسوند ← تک ← تشبیه
شبهات ← (آدمک)
داشتن داشتن ← (مافک)
- 14 لفظی ← در صفتون قیدی ← حذف شباهت
بعد از نقش میاد همیشه حذف داریم
حذف به قرینه ← معنوی
شبیه جمله ← جملاتی که واژه قسم / شوند به تنهایی آمده اند و فعل آنها حذف شده
کما / تا / زیرا / چون (در حقیقت)
- 16 در ساختن جملات مرکب کاهی پیوند حذف می شود (که / یا / و)
جمله ای که بعدشون میاد جمله پیرو (وابسته) است و جملات دیگر پایه (مستقل) اند
حروف ربط ← هم پایه ساز ← (لیکن و لکن)
به تنهایی جملات مرکب می سازند
- 17 پیوند
مفعول
پسوند
تاکیدی
انکاری

ایا وقتی کتاب گفته

سادۀ یک فعل
سبب از یک فعل
مربوط از نظر معنایی به یکدیگر وابسته اند جمله پایه و هر دو

جمله
تعداد جمله
سبب جمله
مربوط
آخرین
تو را آهسته آهسته می کنم
در ریغ
در دوا
(افسوس و حسرت می خورم)

مبادا
فعل صا
فعل های محذوف
عادی
بلاغی
عادی نباشد

اهمیت اصلی
خ
خ
ث س ص
ر ز ض ظ

روابط معنایی
تضاد
تضامن
(یک واژه، زیر مجموعه دیگری)
(مراعات النظیر)
(شبکه معنایی) همون مراعات النظیر در قلمرو زبانی است

وضعیت در گذر زمان
معنا
بدون تغییر
تقول
هم قدم هم جدید
توضیح معنای واژه در جمله
توجه به روابط معنایی

واژه های کهن
حذف شده
اشکال قدیمی امثال
کاربرد "را" (بجز نشانه مفعول)
در هفت اضافه برای یک متمم
حذف نشانه فعل به قرینه فعل قبلی

گذار به نهادن
گذار به انداختن
به جای آوردن



کانون نشریات رسی دادگستری استان قم
نوعی استعاره است که به چیز دیگری ربط داده آن حسن نسبت دهیم

حسن آمیزی یکی از خواص جسمانی را به چیزی نسبت دهیم که با آن قابل درک/احساس نباشد

حسن تعلیل علت غیر واقعی اما مانع کننده (علت در عالم واقع، ابطالی به موضوع ندارد)

مراج آرای تکرار یک واج (صامت یا مصوت) دست کم سه بار در فاصله ای نزدیک

اغراق صفت یا امری فراتر از حد ممکن در واقعیت مطرح شود

دو مفهوم متناقض به یک چیز - یا به یک دیگر - نسبت داده شوند
متناقض نما یا پارادوکس (تناقض)
حتی تا غیر ممکن است
معمولاً باید دو مفهوم متضاد در آن واحد نسبت داده شوند

مثال یک ضرب المثل به طور مستقیم بیاید

تمثیل مثال آوردن

اسلوب معادله یک مصراع بطور کامل تمثیل و مصراع دیگر بطور کامل موضوع مورد تمثیل باشد

از نظر دستوری مستقل هستند و می توان جای آنها را عوض کرد

کنایه به جای بیان مستقیم یک عمل، نشانه، نمونه یا بخشی از آن عمل ذکر می شود
هر دو معنی قابل برداشت

(را بعله معنای لفظی نسبت به معنای کنایی)

البتة به فعل توجه می کنیم، اگر منظور واقعی ما را نرساند به احتمال زیاد کنایه است

مجاز اسمی که به جای اسمی دیگر به کار رفته باشد. روابط: ① جایگاهی ② جز/کل ③ وسیله ای ④ هم جنسی

ایهام واژه یا ترکیبی به گونه ای به کار رود که هر دو معنای آن قابل برداشت باشد

ایهام تناسب: تنها یکی از معانی آن را بتوان به جایش در جمله جای گذاری کرد و معنای

دیگر به دلیل تناسب (ارتباطی خاص و آشکار) با یکی از واژه های موجود به ذهن خطور کند اما

قابل جای گذاری نباشد

تلمیح یاد به چیز معروف بنفیس (نه اینکه بطور مستقیم ببارش)

تضمین (ضمانت کردن) اثری از فرد دیگر را در اثر خود جای دهد

در یک بیت ۶ در یک مصراع و در نثر در پایان چند جمله پی در پی (قرینه) بررسی می شود

انواع: ① دو واژه در آخرین حرف خود مشترک باشند * فقط آخرین واژه غیر تکراری قرینه ها
* اگر اشتراک دو فعل تنها در شناسه یا پیشوند باشد سجع نیست

فرض بر این است که ما فقط نوع اول را بلدیم

② اولاً تعداد هجا (بخش) های یکسان داشته باشند

10

③ هم وزن باشند ④ دو یا زمان تلفظ هر یک بخش یکسان باشد ← صامت و مصوت کوتاه (ا/و) = یک واحد

← مصوت بلند (ا/و/ی) = دو واحد

⑤ ترصیع (ترکیب دو حالت قبلی) = دو قرینه کاملاً پشت سر هم و بدون فاصله میان

12

جناس ① نام = واژه ای دو بار به کار رود اما هر بار با معنایی متفاوت (اگر معنای یکسان بود = تکرار)

13

② ناقص (اختلاف جزئی) ← حرکتی = اختلاف در مصوت های کوتاه

← اختلاف در یک حرف (ابتدا/میان/انتهای) ← اختلافی

14

← افزایشی = افزودن یک حرف ممکن باعث

افزودن یک صداهم بشه که ایرادی نداره مثل "دین/دین" یا "جهان/جهان"

16

← قلب = اختلاف در جای به جای حروف مثل قلب/قلب

← مرکب = یک واژه از ترکیب بدست آید مثل "دلبر ز کرم به دل برآمد"

17

← لفظی = از نظر آوایی یکسان اما املائی متفاوت

18

نکات: ① قافیه در شعر می تونه جناس داشته باشه اما سجع هرگز

② ضایع پیوسته را از واژه جدا می کنیم و سپس وجود جناس را بررسی می کنیم

③ "ی" تکرر و نشانه های جمع مثل "ان" را می توان در نظر گرفت یا صرف نظر کرد بستگی به منفعت جناس دارد

④ ردیف ها نباید جناس نام داشته باشند

20



تشبیه

تشبیه ← آنچه در حضور ماست ← ممکن به قرینه لفظی حذف بشه ✓
تشبیه به ← ~ ~ ذهن ~ ~

① چی به چی تشبیه شده؟ ② رو حساب اشتراک کدام صفت؟

* تشبیه با الگوی "الف ب است" ✓ * بیان امری غیر ممکن یا غیر واقعی می‌تونه تشبیه باشه ✓

* هرگاه دو واژه متضاد به هم تشبیه شوند علاوه بر تشبیه، پارادوکس هم داریم

اصافه تشبیهی: تشبیه و تشبیه به با کسر به هم می‌پیوندند * معمولاً تشبیه به مباد (م و م الیه)

تشخیص: به چیزی جلوه انسانی بخشیم؛ به طور مستقیم، غیر مستقیم (خطاب کردن) یا دوسویه

* هرگاه یکی از دو طرف تشبیه، انسان (یا جانور) و طرف دیگر غیر انسان (یا بی جان)

باشد، وجه شب امری ویژه انسان باشد، هم تشبیه داریم هم تشخیص

تشخیص مقدم بر مجاز

هرجا تشخیص داشته باشیم می‌توانیم استعاره هم قبول کنیم

انواع مضارع	مصدر ← بن ماضی + بن	دوید
انواع مضارع	بن ماضی ← مصدر بدون "ن"	دوید
مستمر ← دار + شناسه + مضارع اخباری	بن مضارع ← فعل امر مفرد بدون "ب"	دو
	صفت مفعولی ← بن ماضی + ه	گفته

انواع ماضی	ساده ← بن ماضی + شناسه	① است
انواع ماضی	استمراری ← می + ماضی ساده	② بود
انواع ماضی	تغلی ← صفت مفعولی + شناسه	③ باشد
انواع ماضی	یجید ← ~ ~ + بود + شناسه	④ داشت
انواع ماضی	استمراری ← ~ ~ + باش + شناسه	⑤ دارم
انواع ماضی	مستمر ← دار است + شناسه + ماضی استمراری	⑥ خواهم (آینه ← خواه + شناسه + بن ماضی)
		⑦ شد

* زمان فعل مجهول را از روی افعال مکی آنها (خانواده شدن) تشخیص می‌دهیم (هرچی که باشه چون میشه زمان)
* در متون گذشته گاهی مضارع اخباری و استمراری بدون نشانه می‌آمده است، باید معنی کنیم
* بن مضارع مصدرهای که به "شدن" ختم میشن ← «ای» راره مثل ستودن ← «ای»
روز شکل‌ها و مشارکت‌های اجتماعی

استعاره

① مصرعه: مشبه به و به جای مشبه میاد

ممكنه پیش از یک وارونه باشد
 مثل "فرش نوردین" استعاره از سبز و صاف چمن ها

ممكنه توی یک جمله مورد الف به مورد ب تشبیه بشه و در جمله ای دیگر مورد ب به جای الف بیاد (استعاره از مشبه)
 اگر صفت اشاره "این" یا "آن" با اسمی همراه شود، احتمال دارد آن اسم استعاره از اسمی باشد که به جای آن آمده است

★ تشخیص استعاره از مجاز: ① دنبال اسمی می گردیم که در معنای غیر از معنای معمول خودش کار رفته باشد
 ② اگر رابطه این دو واژه، همانندی (وجه شبه) بود ← استعاره نبود ← مجاز

★ هر استعاره نوعی مجاز است اما هر مجاز نوعی استعاره نیست

③ ممكنه: تشبیه که فقط مشبه بیاد و از مشبه به فقط یکی از ویژگی هاش بیاد (مشبه استعاره از مشبه به)
 + خاصیت غیر واقعی نیست دارن نوعی استعاره
 ① آیا مشبه در واقعیت ویژگی ذکر شده را دارد؟ نه
 ② چه چیزی این ویژگی را دارد؟ مشبه به
 مشبه + ویژگی مشبه به ← ممكنه
 ویژگی مشبه به + مشبه ← اضافه

اگر مشبه به انسان باشد، تشخیص هم داریم

④ اضافه استعاری: م الیه مشبه است و مضاف یکی از ویژگی ها یا اجزای مشبه به است (تشبیه واقعی نیست)

تفاوت اضافه استعاری و تشبیه: در اضافه تشبیه، مشبه و مشبه به هر دو ذکر می شوند اما

در اضافه استعاری به جای مشبه به، یکی از ویژگی ها یا اجزایش میاد

① چی به چی تشبیه شده؟ مشبه به مشبه به

② آیا مشبه به عیناً در عبارت ذکر شده؟ تشبیهی استعاری

تشبیهی به استعاری از جهت دارد